

برنامه تعدیل ساختاری، فقر و نابرابری، و اعتیاد

یاورا احمدپورترکمانی^۱

چکیده

نادیده گرفتن تعامل‌ها و دادوستد میان هر یک از زیرسیستم‌های نظام اجتماعی به معنای کنار گذاشتن بخش‌های قابل توجهی از واقعیت خارجی است که به طور طبیعی منجر به کاهش قدرت تبیین و پیش‌بینی بروز نارسایی‌هایی در برنامه‌های توسعه می‌شود. از آنجایی که بنیان فکری و فلسفی برنامه تعدیل ساختاری بر تفکیک زیرنظام‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از یک طرف و تأکید بر محدود کردن تقاضا دارد، آثار سوء اجتماعی آن غیرقابل اجتناب است. ارزیابی آثار اجتماعی برنامه‌های توسعه، با وجود سابقه نسبتاً طولانی و اهمیت زیادی که دارد، در برنامه‌ریزی توسعه ایران از جایگاه خاصی برخوردار نیست. طی سه دهه اجرای برنامه تعدیل ساختاری در ایران، بنابه گزارش‌های رسمی و غیررسمی سازمان‌های ملی و بین‌المللی، ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله اعتیاد به شدت روبه افزایش بوده است. برنامه تعدیل از طریق دامن زدن به سیاست‌های تورم‌زا و بیکاری‌آفرین در یک ساخت توسعه‌نیافته رانتی، و فقر و نابرابری‌های ناموجه منبث از آن، باعث بروز ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود.

در این مقاله تلاش می‌شود تا با دستگاه نظری نهادگرایی جدید و روش توصیفی-تحلیلی در قالب هنر علم اقتصاد، آسیب‌های اجتماعی ناشی از تجربه اجرای برنامه تعدیل ساختاری در ایران در خصوص مسئله اعتیاد مورد بررسی قرار گیرد.

این مقاله ضمن ارزیابی نقادانه ارزش علمی ادعاهای طرفداران و مجریان برنامه تعدیل ساختاری مبنی بر کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی، نتیجه می‌گیرد که: (۱) هزینه‌های اجتماعی و فرهنگی اجرای این برنامه-ها، اگر بیش از هزینه‌های اقتصادی آن نباشد کمتر از آن نیست؛ (۲) قربانیان منتسب به معتادِ خلافاً، در واقع قربانیان اجتماعی و محصول سیاست دولت‌ها هستند و سیاست تعدیل ساختاری سه دهه گذشته تا حد زیادی مسئول پدیده اعتیاد لجام گسیخته در سطح جامعه است چرا که اعتیاد از فقر و فلاکت و نابرابری‌های ناموجهی که این سیاست‌ها باعث آن بوده‌اند قویاً متأثر شده است.

در پایان، نوشته حاضر اهمیت لحاظ کردن پیش‌نیازها، آثار و هزینه‌های اجتماعی برنامه‌های اقتصادی، به‌عنوان یک حوزه مورد غفلت، در طی بالغ بر ۶ دهه تجربه برنامه‌ریزی توسعه در یک ساختی با قید توسعه-نیافته را گوشزد کرده و راهکارهای برون رفت از آن را ارائه می‌کند.